



## امام رضا علیه السلام در آثار حضرت آیت الله حاج سید محمد حسینی میلانی

**معجم الکلام ص 147 الرضا علیه السلام :** او هشتمین امام از اهل بیت علیهم السلام ، علی بن موسی بن جعفر علیهم السلام است . موافق و مخالف ، شیعه و سنی و عباسی به خاطر اخلاق پسندیده و برخورد نیکویش با مردم از ایشان راضی بودند و بدین سبب به رضا ملقب گردید . ایشان الگو و اسوه صبر و رضا بود و هیچ گاه خشمگین دیده نشد با اینکه از طاغوت زمانش مأمون اذیت‌های فراوانی دید . مأمون ایشان را از شهر جدش و از اهل و عیالش دور کرد و به مرو و سپس خراسان فرا خواند و ایشان را شدیداً تحت نظر گرفته بود و پس از مدتی ایشان را در زندان سرخس زندانی کرد . سپس ایشان را به پذیرش آنچه ولایتعهدی بعد از خودش می نامید ، مجبور کرد تا بزرگی و کرامتش نزد شیعیان خدشه دار شود و نیز ایشان را سپر محافظی برای خود در برابر شورش فرزندان ائمه (ع) قرار داد . سپس دخترش را به ازدواج ایشان درآورد تا ایشان را مسموم کند . ایشان در ماه صفر سال 203 هجری قمری شهید شدند . ایشان را در شهر طوس در مقبره ای که اسکندر و خضر از قبل برای ایشان آماده کرده بودند ، بالای سر هارون دفن کرد . مزار ایشان امروزه مشهور و معروف است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایت معروف : پاره تن من در خراسان دفن خواهد شد ، دفن شدن ایشان در طوس را بیان کرده بودند .

**قدیسه الاسلام ص 233 الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام :** او امام هشتم ، ابو محمد علی بن موسی ملقب به رضا ، که درود و ثنای خدا بر او باد ! پاره تن رسول خدا (ص) بعد از پاره تنش فاطمه زهرا سلام الله علیها است . در روز جمعه 11 ذی القعدة سال 148 هجری در شهر مدینه متولد شد . نام مادر جلیله اش نجمه ثوبیه ، مکنی به تکتیم بود که جدّه ایشان ، حمیده مادر موسی بن جعفر علیه السلام برای ایشان خریداری کرده بود . ردای امامت را به واسطه نصوصی که از پدر و پدران و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به ایشان رسیده بود بر تن کرد . تصریح به امامت ایشان را افراد زیادی از جمله علی بن یقطین و هشام بن الحکم و داوود رقی و محمد بن سنان روایت کرده اند . مخزومی که مادرش از فرزندان جعفر بن ابیطالب علیه السلام است روایت کرده است : ابوالحسن موسی علیه السلام ما را احضار کرد . وقتی جمع شدیم بما فرمود : آیا می دانید چرا شما را دعوت کردم ؟ گفتیم : نه . فرمود : شاهد باشید که این فرزندم وصی من و قائم به امر من و خلیفه بعد از من است . هر



کس از من طلبی دارد از این پسرم بگیرد و هر کس من به او وعده ای داده ام انجامش را از او بخواهد و هر که خواهد حتما مرا ببیند جز با نوشته ای از او مرا ملاقات نکند . این روایت را کلینی نقل کرده است . امام رضا علیه السلام احیا کننده قرن دوم است که تا سال 203 هجری قمری ، زمانی که در ماه صفر بر اثر سمی که مأمون به ایشان خوراند در طوس خراسان به شهادت رسیدند . مأمون ایشان را در مقبره هارون به فاصله چند متر در قسمت بالاسر هارون دفن کرد زیرا نتوانست در قسمت پایین پا دفن کند . مأمون امام رضا علیه السلام را علیرغم میل حضرت ، از مدینه به طوس احضار و ایشان را بر قبول ولایتعهدی مجبور کرد تا اعتبارش در نزد شیعه کم شود ولی در این سیاست شکست خورد ؛ زیرا عظمت و شخصیت امام در نزد ایرانیان و سایر مسلمانان زیادتر شد . مأمون به ایشان حسادت کرد و حضرتش را مسموم کرد . ابونواس شاعر دربار عباسی حضرت را این چنین مدح کرده است : به من گفته شد : تو شاعرترین مردم در بیان انواع مختلف سخن هستی . در کلام تو جواهر سخن نهفته است که هر که بشنود درهای گران نصیبش شود . چرا مدح پسر موسی و بیان خصلتهایی که در او جمع شده ترک کردی ؟ گفتم برای مدح امامی که جبرئیل خادم پدرش بوده است چیزی به ذهنم نمی رسد . و همچنین درباره ایشان گفته است : هر گاه بعد از مدتی تو را دیده ها ببیند و در تو شک کند قلب به تو ایمان می آورد . اگر قومی تو را برای رهبری به ریاست انتخاب کنند حتی بوی تو و نسیمی از تو برای راهنمایی و هدایت سواران کفایت می کند . و همچنین گفته است : افراد مطهری که لباسهایشان هم پاکیزه است . هر وقت نام ایشان برده می شود بر ایشان صلوات فرستاده می شود . هر کس در نسب علوی نیست در همه دنیا هیچ افتخاری ندارد . خداوند حکیم که هر کاری را محکم و مستحکم آغاز می کند ، شما را پاک آفرید و برای هدایت مردم برگزید . شما از ساکنان ملاً اعلی هستید و در نزد شما علم کتاب و سوره ها است .

**این اشعار را هم ابوالغداء از امام رضا علیه السلام روایت کرده است :**

همه ما آرزوی طول عمر داریم و مرگها نابود کننده آرزوست .

آرزوهای باطل مغرورت نکند و مشغول کارت باش و از عذرتراشی بپرهیز .

همانا دنیا مانند سایه زودگذری است که سواری در آن استراحت کرده و از آن کوچ می کند . از دسیسه و سیاست شیطانی مأمون عباسی همین بس که اول ، خلافت و بعد هم ولایت عهدی را به امام عرضه کرد . مثل روز روشن است که مأمون آن قدر بر سلطنت و پادشاهی حریص بود که برای به دست آوردنش برادرش امین را کشت و جسدش را در بغداد آویزان کرد . عطوفت و عاطفه برادری در او کارگر نبود تا از گناه برادرش چشم پوشی کند و بر او ترحم نماید بلکه به خاطر به دست آوردن پادشاهی



او را به بدترین شکلی کشت . پادشاهی همان طور که هارون ملعون گفت ، عقیم است و هیچ نسبتی با کسی ندارد . بنابراین چطور درنگ کرده و از ملک و خلافت به خاطر امام رضا علیه السلام چشم پوشی کرده است ؟ او می خواست مسئولیت جنایات و خیانات و جرائم و مظالم خودش را بر حضرت تحمیل کرده و خودش را در بین مردم خوش نام جلوه دهد . بدین ترتیب محبت شیعیان امام را به خودش جلب کند و همراه سازد و امام را مانند زره و سپری در برابر قیام های علویان مانند زید و امثال او که علیه مأمون قیام کرده بودند و از آنان هراس داشت ، نگه دارد .

سیاست و هدف دیگر مأمون این بود که آشکارا به مردم بگوید : امامان اهل بیت علیهم السلام بی رغبت به حکومت و دنیا نیستند و طالب ملک و پادشاهی بوده و اگر فرصت پیدا کنند بر تخت سلطنت تکیه می زنند . می خواست وجهه و محبوبیت امام را در نزد مردم از بین ببرد و بدین وسیله بین امام و شیعیان و خصوصا ایرانیانی که امام رضا (ع) با ورود به خراسان سرزمین آنان را متبرک گردانیده بود و دور او را گرفته و به شدت او را دوست داشتند ، فاصله بیندازد . مأمون به این اظهار محبتها به امام رضا (ع) حسادت می کرد و احساس خطر می نمود ، لذا تصمیم بر ترور شخصیتی امام و از بین بردن کرامت امام در نظر مردم گرفت ، ولی شکست خورد و به حمد خدا شخصیت و عظمت و محبت امام در نزد مردم از شخصیت و شرافت مأمون بیشتر شد در حالی که مأمون عنوان خلیفه المسلمین را هم یدک می کشید . جریان فرستادن امام رضا علیه السلام برای نماز عید فطر و برگرداندن حضرت از نیمه راه بهترین دلیل بر کینه و حسد باطنی مأمون بر امام است .

در واقع ولایت عهدی مصیبت و بلائی بود که امام رضا (ع) به آن مبتلا شد و مأمون به همین مقدار اکتفا نکرد بلکه حضرت را در زمین غربت و دور از اهل و عیال ، مسموم و شهید کرد . هیچ قدرت و قوتی به غیر از قدرت خدا نیست و سلام و تحیات و صلوات و برکات خدا دائما بر او باد و لعنت همیشگی خدا بر مأمون باد . مداینی برای ما نقل کرده: زمانی که حضرت رضا علیه السلام در مجلس ولایت عهدی قرار گرفت خطبا و شعرا در خدمت حضرت بودند و پرچم های چندی در اطراف ایشان برافراشته بودند یکی از حاضرین که به حضرت نزدیک بودند نقل کرده که گفت : آن روز در برابر حضرت بودم . مرا دیدند ، اشاره کردند که جلو بروم . وقتی نزدیک حضرت شدم به طوری که کسی نشنود ، فرمودند : قلبت را مشغول این امر مکن و خوشحال مباش چون این امر به پایان نمی رسد .

بله این امر برای امام رضا علیه السلام به پایان نرسید بلکه مأمون حضرت را در حالی که تنها و دور از وطن و اهل و عیال و خانواده بودند مسموم کرد و به قتل رساند .



خواست خدا این بود که مرقد و ضریح ایشان قبله ای برای قلوب شیعیان باشد که از همان زمان تا به حال او را زیارت می کنند . از معصومین علیهم السلام روایت شده است که کسی غیر از خواص شیعیان او را زیارت نمی کند و زیارت او برابر با هزار حج و عمره است . امام رضا علیه السلام به زیارت کنندگانش وعده داده است که زیارتشان را در « صراط » و « میزان » بر می گرداند . خدا ما را از زیارت کنندگان و شیعیان ایشان قرار داده و شفاعتش را روزی ما کند .

امام رضا علیه السلام پاره تن رسول خداست . رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را این طور نامید : - پاره تن من در خراسان دفن خواهد شد - همان طور که فاطمه سلام الله علیها پاره تن اول حضرت بود .

به برکت امام رضا علیه السلام بشارت داده شده که سید خراسانی با سیصد هزار نفر اصحاب پرچم های سیاه از خراسان به کوفه می رود و پرچمش ( حکومتش ) را در کوفه قرار می دهد و شیعیان به حکومت می رسند ، بین حکومت او و ( ظهور ) حضرت مهدی 72 ماه طول می کشد . او از فرزندان امام حسین علیه السلام است و نامش نام پیامبر است .

**ارتباط با ما :**

**info@almilani.ir**

**www.almilani.ir**